

نقشه سیستان و ذوالفقار کرمانی^۱

فرهاد تهرانی

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

fftehani@yahoo.com

سینا سلطانی

کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران؛ پژوهشگر دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر، نویسنده مسئول.

Soltanii.sina@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱۲

چکیده

ذوالفقار کرمانی تحصیل کرده مدرسه دارالفنون و از مهندسان روزگار ناصرالدین شاه بود که نقشه‌های متعددی از نقاط مختلف ایران تهیه کرده است. از میان آثار او سه نقشه تهران (به عنوان دستیار کرشیش‌خان) و رشت و سیستان و دو کتاب *جغرافیای نیمروز* و *عرض و طول بلاد ایران* در دست است. یکی از آثار ذوالفقار کرمانی نقشه سیستان است. او نقشه سیستان را در فاصله سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۰ ق در مدت یک سال و سه ماه ترسیم کرد. سبب ترسیم نقشه اختلافاتی بود که بر سر تعیین مرز سیستان با افغانستان پیش آمده بود و ناصرالدین شاه ذوالفقار کرمانی را مأمور کرد تا نقشه‌ای از سیستان و مرز آن تهیه کند. ذوالفقار کرمانی در هنگام سفر برای تهیه نقشه سیستان کتابی نوشت به نام *جغرافیای نیمروز* که روزنامه سفرش به سیستان بود و حاوی اطلاعاتی در تکمیل توضیحات نقشه. بررسی نقشه سیستان او در لایه‌های مختلف اطلاعاتی به دست محققان می‌دهد: نخست درباره تعیین مرز سیستان و ایران با افغانستان و مسائل سیاسی آن و پس از آن اطلاعاتی درباره تاریخ و جغرافیای سیستان. در کنار اینها نقشه حاوی اطلاعات فراوانی است برای مطالعات تاریخ معماری. اطلاعات نقشه را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد: راه‌های ناحیه سیستان؛ شهرها و قلعه‌ها و تپه‌ها و برج‌ها و بندها و بقعه‌ها؛ اطلاعاتی درباره برخی اعلام و توضیحاتی در وجه تسمیه آنها؛ مکان‌یابی برخی بناهای تاریخی؛ تفکیک بناهای آباد و ویران؛ نکاتی درباره وضعیت بناها و استحکام آنها؛ توضیحاتی درباره گذشته برخی بناها و کارکرد آنها؛ و تصورات مردم درباره برخی بناها و انتساب آنها به داستان‌ها و اسطوره‌ها. توضیحات او در کتاب *جغرافیای نیمروز* مکمل اطلاعات نقشه است.

واژه‌های کلیدی

جغرافیای تاریخی ایران، جغرافیای سیاسی ایران، نقشه‌های تاریخی ایران، افغانستان، سیستان، تاریخ معماری، منابع تاریخ معماری.

نقشه‌های جغرافیایی که در سده‌های گذشته تهیه شده است از مدارک مهم در انواع مطالعات تاریخی است و محتوی اطلاعات گوناگون مورد نیاز محققان حوزه مطالعات تاریخی. این اطلاعات در لایه‌های مختلف به دست می‌آید؛ دسته مهمی از اطلاعاتی که می‌توان از این نقشه‌ها استخراج کرد مربوط به تاریخ معماری و شهر است. نقشه سیستان که در سال ۱۲۹۰ق به دست مهندسی به نام ذوالفقار کرمانی تهیه شده در بردارنده اطلاعات مهمی از جغرافیای سیاسی است و روایتگر تعیین مرز بخش‌هایی از ایران و جدا شدن قسمتی از خاک ایران در دوره قاجاریان. این نقشه، علاوه بر این، در بردارنده اطلاعاتی از راه‌ها و اماکن باستانی و اسامی قدیم نقاط مختلف سیستان است و منبعی مهم برای مطالعات تاریخ معماری. نقشه سیستان در کنار کتاب *جغرافیای نیمروز* — که روزنوشت مؤلف از سفر سیستان برای تهیه نقشه است — اطلاعات مهمی درباره زندگی مردم سیستان آن روزگار به دست می‌دهد و ضمناً برای شناخت ترسیم‌کننده نقشه که از اشخاص سرشناس در ترسیم نقشه‌های روزگار ناصرالدین شاه بود، بسیار مفید است.

نقشه سیستان برای اولین بار به قلم نگارندگان این سطور برای مدتی در وبگاه «دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر» در سال ۱۳۸۸ معرفی و منتشر شد.^۲ درباره ترسیم‌کننده نقشه و سایر آثار او تا کنون اطلاعات زیادی منتشر نشده است. اولین اثر منتشر شده او کتاب *جغرافیای نیمروز* است که درباره جغرافیای سیستان است و روزنوشت سفر ذوالفقار کرمانی به سیستان. نسخه اصلی کتاب *جغرافیای نیمروز* در کتابخانه مؤسسه کاما (کتابخانه ملافیروز)^۳ در بمبئی

نگهداری می‌شود. (عطاردی، ۱۳۷۴: ۷ استاد عزیزالله عطاردی در سال ۱۳۴۵ از این کتاب میکروفیلمی تهیه کردند و این نسخه را به عنوان تنها سند موجود آن زمان در مورد ذوالفقار کرمانی تصحیح و آماده نشر کردند. در زمان تصحیح این کتاب هنوز نقشه سیستان در دسترس نبود. ایشان کتاب را در سال ۱۳۷۴ به چاپ رساندند و در مقدمه آن بر اساس اطلاعات مندرج در کتاب نکاتی درباره ذوالفقار کرمانی بیان کردند. (همان، ۱۳۷۴: ۵-۱۶) پس از آن استاد محمدابراهیم باستانی پاریزی در سال ۱۳۸۱ مقاله‌ای با عنوان «ذوالفقار شعر حافظ در قلعه نادعلی» منتشر کردند. ایشان در این مقاله به مسئله اختلاف در تعیین مرزها پرداخته اند و بر اساس مطالبی از روزنامه *وقایع اتفاقیه* مطالبی درباره ذوالفقار کرمانی نوشته اند و درباره خاندان ذوالفقار در کرمان و نسب او حدس‌هایی زده اند. اساس این مقاله گزارش‌های ذوالفقار کرمانی است در کتاب *جغرافیای نیمروز*. این مقاله پیش از یافته شدن نقشه سیستان یا کتاب دیگری از ذوالفقار کرمانی نوشته شده است (باستانی پاریزی، ۱۳۸۱: ۲۳) و می‌توان از طریق اطلاعات نقشه سیستان و اثر نویافته ذوالفقار کرمانی یعنی کتاب *عرض و طول بلاد ایران* آن را تکمیل کرد. از دیگر آثار منتشر شده ذوالفقار می‌توان به نقشه تهران (۱۲۷۵ق) کرشیش‌خان اشاره کرد. در این نقشه ذوالفقار کرمانی به عنوان یکی از دست‌یاران کرشیش در تهیه نقشه و از شاگردان دارالفنون معرفی شده است (تصویر ۱). همچنین در *روزنامه دولت علییه ایران* به تاریخ ۲۶ صفر ۱۲۷۷ق نقشه‌ای از قلعه مرو^۴ چاپ شده است و نام ذوالفقاریک مهندس به عنوان کسی که نقشه را در دارالخلافه «نقل نموده» در آن ثبت شده است (تصویر ۲).



تصویر ۱. توضیحات بالای نقشه دارالخلافه تهران، معروف به نقشه کرشیش خان، ۱۲۷۵ق.

نقشه قزو که میرزا مهدی مهندس برهنک کشیده فرستاده بود در دارالخلافه ذوالفقار ریک مهندس نقل نموده است

تصویر ۲. نام ذوالفقار کرمانی در پایین نقشه مرو. (مأخذ: روزنامه دولت علیه ایران، ۲۶ صفر ۱۲۷۷ق).

کرمانی، (۱۳۷۴، ۱۷) از تحصیل کردگان مدرسه دارالفنون بود که علوم قورخانه و توپخانه و علم هندسه را در این مدرسه آموخت. او خدمات ارزنده‌ای برای تهیه نقشه‌های دوره ناصرالدین شاه انجام داد و مدت ۲۲ سال در اکثر سرحدات ایران مأمور بود. (ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۱۸) او در مقدمه کتاب *عرض و طول بلاد ایران* در این باره چنین می‌گوید:

این بنده درگاه ذوالفقار کرمانی الاصل محلاتی المسکن پس از اینکه چندین سال در این مدرسه مبارکه به تحصیل علوم ریاضی، عموماً توپخانه و نقشه‌کشی خصوصاً پرداخت و از استادان با فضیلت کسب معارف و استحضارات شایسته نمود در سنه ۱۲۷۴ فارغ التحصیل و به خدمات دیوان اعلی مشغول و مکرر بر تمام سرحدات دولت علیه خاصه کرمان و بلوچستان و سیستان و خراسان مأموریت به هم رسانیده و از تمام این نقاط نقشه‌های دقیقه مبسوطه برداشته و از شرح حالات حالیه و ماضی تمام آن اراضی کما ینبغی استطاع نموده و اطلاع یافت و بعد از هر مأموریتی نقشه‌ها و استحضارات خود را در پیشگاه اولیای دولت عرضه نموده به تحسین و بذل مرحمت‌ها و مباحی سرافراز شد.^۷ (ذوالفقار کرمانی، بی‌تا: ۴ و ۵)

او خود را شاگرد کرشیش معلم توپخانه می‌داند که در سال ۱۲۷۴ق از مدرسه دارالفنون فارغ التحصیل و به خدمات دیوان اعلی مأمور شد. (ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۱۸) ذوالفقار در سال ۱۲۸۷ق در رشت مأمور تهیه نقشه رشت و

اطلاع بعدی درباره ذوالفقار (تصویر ۳) مربوط به نقشه رشت است و مقاله‌ای که با عنوان «نقشه رشت در سال ۱۲۸۷ قمری» در معرفی نقشه و در مجله اثر در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسید. یکی از مهم‌ترین آثار ذوالفقار کرمانی که در دسترس محققان نبوده است کتابی است با عنوان *عرض و طول بلاد ایران* که اطلاعات مهمی درباره او به دست می‌دهد. نسخه خطی این کتاب که تا کنون منتشر نشده است و در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود، در سال ۱۳۸۸ به موجب تفاهم‌نامه‌ای که میان دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر و کتابخانه ملی نوشته شده بود در اختیار نویسندگان این سطور قرار گرفت و در همان زمان در وبگاه دانشنامه ایران شهر در یادداشت معرفی نقشه سیستان معرفی شد که برخی از اطلاعات آن درباره ذوالفقار کرمانی را در ادامه خواهیم آورد. آخرین کار تحقیقی مربوط به آثار ذوالفقار کرمانی مقاله‌ای است که در سال ۱۳۸۹ با عنوان «معرفی و بررسی نسخه خطی عرض و طول بلاد ایران» در مجله پژوهش‌نامه فرهنگی هرمزگان به قلم مصطفی کریمی چاپ شده است.

ذوالفقار کرمانی و آثارش

«ذوالفقار مهندس و معلم قورخانه»^۵ (تصویر ۴) یا «ذوالفقار مهندس کرمانی الاصل معروف به محلاتی»^۶ (ذوالفقار

تعیین تعداد نفوس و ولایات آن بود. گویا او در حین تهیه نقشه رشت به اعیانزاده‌های شهر رشت هندسه درس می‌داده است. (فراستی، ۱۳۸۱: ۳۵۱-۳۵۳)

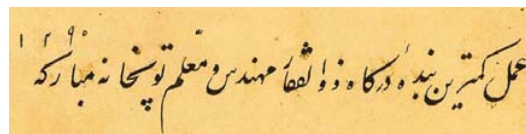
پس از آن در سال ۱۲۸۸ ق مأمور تهیه نقشه سیستان شد و تا سال ۱۲۹۰ ق مشغول کار روی آن بود. به این نقشه در سطور بعد خواهیم پرداخت. او در کنار تهیه نقشه، کتابی با عنوان *جغرافیای نیمروز* نوشت که این کتاب روزنوشت سفر سیستان است و حاوی توضیحات نقشه سیستان و اطلاعات آماری از جمعیت و اوضاع سیستان. مطالعه این کتاب در کنار نقشه می‌تواند در خوانش نقشه و به دست آوردن اطلاعات تکمیلی بسیار راهگشا باشد.

در سنه ۱۲۸۸ که حسب الامر عالی‌قدر همایون به سیستان رفتم و نقشه آن مملکت را برداشتم چنان واجب دیدم که محض خدمت بدین دولت علیه جغرافیای حالیه آن بلد به طوری که مشاهده افتد معروض و مشهود دارم [...] این کتاب هم در جغرافیای این مملکت است آن را جغرافیای نیمروز نام کردم [...] [این کتاب] علت مأموریت و شرح مسافرت را به طور روزنامه معروض می‌دارد. (ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۱۸)



تصویر ۳. ذوالفقارخان مهندس

(مأخذ: رضا فراستی، ۱۳۸۱: ۳۵۲)



تصویر ۴. امضای ذوالفقار مهندس در پایین نقشه سیستان

(مأخذ: نقشه سیستان)

اثر ارزنده دیگر وی کتاب *عرض و طول بلاد ایران* است. هرچند از روی نسخه خطی نمی‌توان به تاریخ دقیق تألیف نقشه دست پیدا کرد^۸ اما بر اساس شرح حالی که خود ذوالفقارخان کرمانی در کتاب *جغرافیای نیمروز* نوشته است می‌توان کتاب را محصول ۲۲ سال مأموریت وی پس از فارغ‌التحصیلی در اکثر نقاط ایران خصوصاً سرحدات دانست. بنابراین تاریخ تألیف کتاب بین سال‌های ۱۲۷۴ و ۱۲۹۶ ق بوده است.

پرورده این دولت ابدمدت ذوالفقار مهندس کرمانی الاصل مشهور به محلاتی که در این اوان فرخنده‌نشان که از یمن مکرمت و مرحمت شاهنشاه [...] ناصرالدین‌شاه غازی [...] در اول جلوس سلطنت از مملکت اروپا چند معلم جهت تربیت اهل نظام و غیره خواند محض اشتها و انتشار علوم، مدرسه موسوم به دارالفنون برپای کرده و مایه هر علم و پایه هر دانش در آنجا آشکار است چون این غلام خانه‌زاد هم در آن مدرسه اضافه بر علوم توپخانه و قورخانه علم هندسه را که اصل و اساس همه علوم است در نزد مسیو کرشیش‌خان معلم توپخانه آموخته و تحصیل کردم و در سنه ۱۲۷۴ هجری از مدرسه به خدمات دیوان اعلی مأمور شدم در مدت ۲۲ سال به اکثر سرحدات دولت علیه مکرر مأمور و سفر کردم. (همان، ۱۳۷۴: ۱۸)

او در این کتاب بعد از بیان نکاتی در بیان مقیاس‌ها و تطبیق مقیاس‌های ایرانی و فرنگی، تعریف عرض و طول، طریقه تعیین عرض و طول، قواعدی در ترسیم نقشه‌ها، تعیین ساعت، محاسبه مسافت، محاسبه انحراف قبله بلاد ایران، و ... در جداولی عدد طول و عرض جغرافیایی شهرها و روستاها تمام نقاط ایران را به دست داده است. این اطلاعات علاوه بر اینکه می‌تواند نقشه مفصل و با جزئیاتی از ایران عصر مؤلف به دست دهد برای یافتن ضبط برخی از اعلام جغرافیایی یا آبادی‌های که امروزه ناشناخته اند مهم و راهگشا است.^۹ (تصویر ۵) ابتکار جالب ذوالفقار کرمانی در این کتاب ملاک قرار دادن کوه دماوند برای محاسبه طول جغرافیایی است. او علل خاصی

برای این تصمیم دارد که آنها را در کتاب آورده است. (ذوالفقار کرمانی، بی تا: ۷ و ۲۵ و ۲۹)

ذوالفقار کرمانی از بسیاری شهرهای ایران نقشه تهیه کرد که متأسفانه جز همین نقشه سیستان و نقشه رشت و نقشه تهران نقشه دیگری امروز از او شناخته نیست. از جمله نقشه‌هایی که او تهیه کرده نقشه ارگ است که در کتاب جغرافیای نیمروز به آن اشاره شده است ولی امروز در دسترس نیست:

من و طول محال کرمان			عرض شمالی از خط استوا			ظل شرقی از قله کوه دماوند		
ثابت	دقیقه	درجه	ثابت	دقیقه	درجه	ثابت	دقیقه	درجه
۰	۱۱	۳۰	۵۵	۳۴	۴	۵۵	۳۴	۴
۵۷	۱۵	۳۰	۲	۴۵	۴	۲	۴۵	۴
۴۷	۱۶	۳۰	۹	۵۱	۴	۹	۵۱	۴
۲۴	۴	۳۰	۱۲	۵	۵	۱۲	۵	۵
۴۸	۵۲	۲۹	۵۴	۳	۵	۵۴	۳	۵
۵۷	۳۷	۲۹	۲۰	۱۳	۵	۲۰	۱۳	۵
۳۲	۳۰	۲۹	۲۷	۲۲	۵	۲۷	۲۲	۵
۲۳	۲۳	۲۹	۵۷	۳۵	۵	۵۷	۳۵	۵
۳۰	۱۶	۲۹	۴۷	۳۸	۵	۴۷	۳۸	۵
۰	۱۱	۲۹	۵۱	۵۳	۵	۵۱	۵۳	۵
۳۵	۳	۲۹	۳۶	۲	۶	۳۶	۲	۶
۹	۷	۲۹	۲۵	۸	۶	۲۵	۸	۶

تصویر ۵. برگی از کتاب عرض و طول بلاد ایران. جدول طول و عرض محال کرمان. مأخذ: نسخه خطی عرض و طول بلاد ایران در کتابخانه ملی

مدت نوزده روز جهت آمدن ژنرال قولاسمد^{۱۰} از طرف هندوستان در بم معطل بودیم. بنده در این نوزده روز فرصت را غنیمت شمرده نقشه قلعه شهر عتیق و ارگ همه را از روی دقت برداشته. [...] محیط قلعه دوهزار و یکصد و ده ذرع در هیجده ضلع است. قطر دیوار قلعه ۱۲ ذرع.

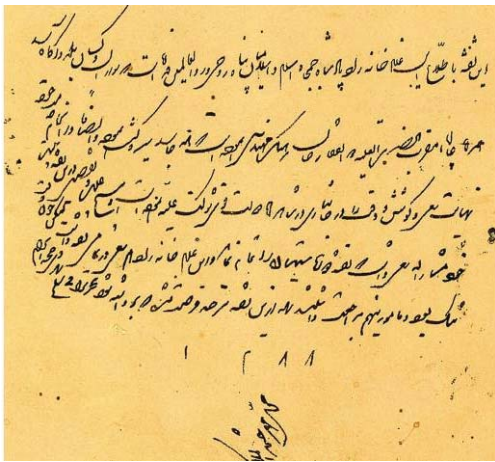
دو ذرع از دیوار یعنی به سمت خارج و یک ذرع از سمت داخل با خشت‌های بزرگ ساخته شده است.^{۱۱} (ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۲۲)

آثار ذوالفقار کرمانی علاوه بر اینکه نشان‌دهنده شخصیت علمی اوست نشان‌دهنده روحیه‌ای تلاشگر است؛ شخصیتی وطن‌دوست و فداکار. گزارش‌های او در کتاب جغرافیای نیمروز از تهیه نقشه سیستان و مصائبی که در این راه تحمل کرده است به‌خوبی مؤید این مطلب است. دکتر باستانی پاریزی در جای‌جای مقاله «ذوالفقار شعر حافظ در قلعه نادعلی» به این موضوع پرداخته اند و ما از تکرار آن خودداری می‌کنیم.

معرفی نقشه و روایتی از سبب ترسیم آن

پس از امضای معاهده پاریس در رجب سال ۱۲۷۳ق و جدا شدن افغانستان از خاک ایران بنا بر یکی از بندهای معاهده مقرر شد در صورت بروز اختلاف بین دولت ایران و ممالک افغانستان و هرات، حل اختلاف به دولت انگلستان واگذار شود. (تکمیل همایون، ۱۳۸۰: ۵۱ و ۵۴؛ مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۷) بنابراین تعیین مرز سیستان پس از قرارداد پاریس با نفوذ انگلیس و حکم قرار گرفتن مأموران انگلستان انجام می‌شد. چندی پس از قرارداد پاریس به دنبال تجاوز حاکم قندهار و هرات به سیستان و دلتای هیرمند منازعه‌ای بین دولت ایران و افغانستان درگرفت و دولت ایران با حکمیت انگلستان موافقت کرد و گولدسمید^{۱۲} به حکمیت برای حل منازعه انتخاب شد.^{۱۳} (تکمیل همایون، ۱۳۸۰: ۵۵)

از طرف ایران هم ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۸ق دستور تهیه نقشه سیستان و تعیین حدود سرحدات ایران را تا همسایگی افغانستان داد و مأموریت تهیه نقشه را به ذوالفقارخان مهندس کرمانی محول کرد و به او دستور داد که کار تمام کردن نقشه را ۱۵ روز قبل مأموران دولت انگلستان و گولدسمید، به انجام رساند و آن را به



تصویر ۶. دستخط و امضای حشمت‌الملک در حاشیه نقشه سیستان

با همه تلاش‌های ذوالفقار مهندس برای برداشت نقشه که با کارشکنی‌هایی^{۱۵} همراه بود (همان، ۱۳۷۴: ۱۱۱-۱۱۴) و علی‌رغم نبود وسایل لازم (تصویر ۷) و مسائل و مشکلاتی که او را چندبار تا پای جان برد، (همان، ۱۳۷۴: ۲۷-۲۸ و ۱۰۳) او نقشه سیستان را ترسیم کرد و به امضای والی آنجا رساند و به دارالخلافه برد. اگرچه نقشه کامل نشده بود ولی برای تعیین مرزها کفایت می‌کرد.^{۱۶} حدود سیستان آن‌طور که ذوالفقار خان معلوم کرد چنین بود:

حدود حالیه آنچه در تصرف دولت علیه ایران و در دست افغان است که سیستان می‌گویند، طول از دامنه مشرقی پلان‌کوه که مغربی سیستان باشد مشرقی رودبار تا دامنه مغربی کوه خاش که دو درجه و سه دقیقه و چهل ثانیه است اما عرض از لاش و ثمود و کده و غیره که شمالی سیستان است جنوبی تا کوه‌های نرماشیر که سه درجه و یک دقیقه است. این تصرفی دولت علیه ایران در سنه ۱۲۸۸ است. (همان، ۱۳۷۴، ۴۸)

نتیجه تلاش او به سبب همان بند معاهده پاریس مؤثر واقع نشد و گولدسمید پس از بررسی مختصر و نقشه‌برداری از محل اختلاف و منازعه^{۱۸} (تکمیل همایون،

دارالخلافه ببرد. (ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۱۸ و ۱۹) مهندس کرمانی که دستور تهیه نقشه سیستان را در شعبان ۱۲۸۸ق از ناصرالدین شاه گرفت پس از رسیدن به سیستان از شوال ۱۲۸۸ق برداشت اطلاعات را آغاز کرد و در اواخر ذیحجه همان سال این کار را به پایان برد.

ذوالفقارخان در مورد این دستور چنین نوشت:

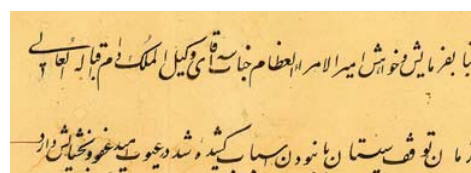
در باب حدود سیستان و افغانستان و کشیدن نقشه سیستان و تحقیق حدود حالیه سیستان به این غلام دستورالعملی مرحمت فرمودند [...] و نیز به این غلام حسب الامر قدغن شد که ۱۵ روز قبل از مأموران دولت بهیه انگلیس و میرزا معصوم‌خان به دارالخلافه حاضر شود که با نقشه سیستان به خاک پای همایونی شرفیاب شود و وضع سیستان و حدود سرحد را معروض دارد. (همان، ۱۳۷۴: ۱۹)

ذوالفقارخان در پایان سفر خود در آخرین روز سال ۱۲۸۸ق هجری قمری از حشمت‌الملک حاکم وقت سیستان خواست که صحت مرزهایی را که معلوم کرده بود تأیید و امضا کند. حشمت‌الملک چنین کرد و دستخطی هم در کنار سمت راست نقشه مرقوم کرد به تاریخ ۱۲۸۸ق (تصویر ۶ حشمت‌الملک در این دستخط به ناتمام بودن نقشه اشاره کرده است:

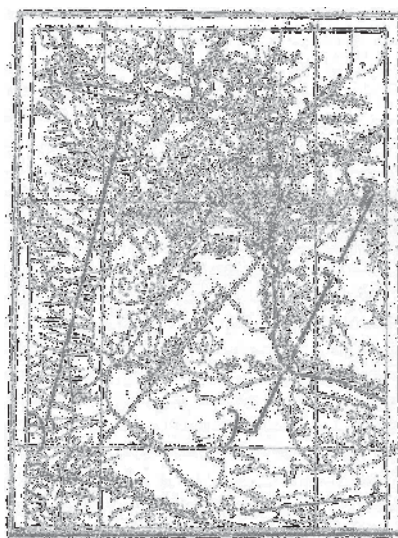
این نقشه با اطلاع این غلام خان‌زاد پادشاه جمجه اسلام و اسلامیان پناه روحی و العالمین فداه است که سواران و کسان بلد و آگاه را همراه عالیجاه مقرب الحضرت العلیه ذوالفقارخان بیک مهندس نموده است که همه جا را سیر و گشت نموده و انصافاً در انجام خدمت خود نهایت سعی و کوشش و دقت را در جان‌نثاری در شاهراه دولت قوی شوکت علیه نموده است و هیچ علل و نقصی درین نقشه نیست، خود مشاراله سعی داشت که نقشه دوره سیستان را تمام نماید و این غلام خان‌زاد هم سعی در تمامی نقشه داشت لیکن چون وقت تنگ بود و مامورین هم مراجعت داشتند تمامه ازین نقشه سرحد فرصت نشد که برداشته شود. تحریراً فی سلخ شهر ذی‌الحجه الحرام ۱۲۸۸.^{۱۴}

۱۳۸۰: ۵۵) در جمادی الثانی ۱۲۸۹ق مرز ایران و افغانستان را در ناحیه سیستان چنین تعیین کرد:

رود هیرمند در قسمت شمالی سیستان و سپس خط موهومی را در جنوب، از بند سیستان تا کوه ملک سیاه در ملتقای مرز افغانستان، ایران و کلات. (طباطبایی، ۱۳۶۸، ۲۹۸) و در نتیجه قسمت عمده‌ای از خاک سیستان که متعلق به ایران بود از ایران جدا شد (تصویر ۸). با مقایسه نقشه ذوالفقارخان و آنچه نتیجه حکمیت گولدسمید بود می‌توان این بخش‌ها را شناسایی کرد.^{۱۹} گولدسمید تلاش کرد مرز را به گونه‌ای تعیین کند حداکثر اختلاف بین ایران و افغانستان ایجاد شود و مدام بر سر این مرز اختلاف باشد. (همان، ۱۳۶۸: ۲۹۹)



تصویر ۷. یادداشت ذوالفقارخان درباره نبود اسباب کافی برای ترسیم نقشه.



تصویر ۸. مرز سیستان و افغانستان مطابق حکمیت کنسل ماکماهون یکی دیگر از مأموران دولت انگلیستان در سال ۱۳۲۳ق. مرز سیستان را در نقشه ذوالفقار کرمانی با این خط مرزی که تقریباً مشابه مرز کنونی است، مقایسه کنید.

(مأخذ: ناصر تکمیل همایون، مرزهای ایران در دوره معاصر، ص ۵۶).

تاریخ دقیق و مدت ترسیم نقشه

در نقشه و کتاب دو تاریخ مرقوم است ۱۲۸۸ و ۱۲۹۰. کدام‌یک از این دو، تاریخ صحیح ترسیم نقشه است؟ همان‌طور که گفتیم دستور ترسیم نقشه در سال ۱۲۸۸ق به ذوالفقار داده شده و در آخرین روز سال ۱۲۸۸ق نقشه به امضای حاکم سیستان رسید و پس از آن به دارالخلافه آورده شد؛ اما آن‌طور که ذوالفقار کرمانی در متن کتاب آورده، پس از مراجعت به دارالخلافه در سال ۱۲۸۹ق، در سال بعد دوباره به سیستان سفر کرد و به نظر می‌رسد وی پس از سفر دوباره و کامل کردن همان نقشه سال ۱۲۸۸ عدد سنه ۱۲۹۰ را مرقوم کرده است. همچنین اگر مسیر طی شده که در متن کتاب آورده شده است را با نقشه تطابق دهیم، مواردی را خواهیم دید که در روزنوشت نیست اما در نقشه آورده شده است، بنابراین می‌توان مطمئن شد که ذوالفقار در سفر بعدی خود نقشه را کامل‌تر کرده است.

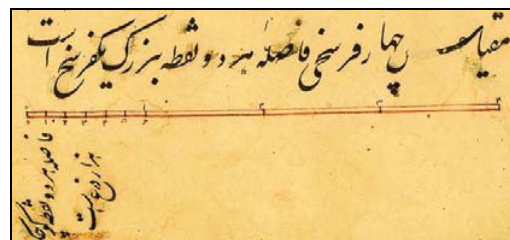
او در متن کتاب در جایی در مورد پیش‌بینی آب و هوا از نشانه‌ها و علامات جوی، به سفر بعدی خود اشاره می‌کند: خود بنده چه در آن سفر و چه در سنه ۱۲۹۰ مدت یک-سال در خود سیستان بودم از قرار همان علامات که در هوا پیدا می‌شد، تجربه نمودم. راست و با حقیقت بود. (ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۹۲)

بنابراین نقشه سیستان که امروز در دست است در فاصله شوال ۱۲۸۸ق و ذی‌الحجه همان سال ترسیم شد و پس از آن تا سال ۱۲۹۰ق توسط ذوالفقارخان تکمیل شد. این متن نشان می‌دهد اگرچه ذوالفقار کرمانی در سفر اول خود به مدت حدود سه ماه به برداشت اطلاعات پرداخته و روی نقشه کار کرده است، اما در سفر بعدی خود به سیستان حدود یک سال دیگر در آنجا اقامت کرده و نقشه را کامل کرده است. بنابراین مدت ترسیم نقشه حدود یک سال و سه ماه است.

اطلاعات نقشه و کتاب جغرافیای نیمروز

نقشه سیستان در کنار کتاب جغرافیای نیمروز علاوه بر اطلاعات جغرافیایی، اطلاعات فراوان دیگری دربر دارد. اطلاعات نقشه و کتاب را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد: تعیین حدود سیستان از نظر جغرافیایی و سیاسی؛ کوه‌ها، جلگه‌ها، و کویرها؛ شهرها، روستاها و آبادی‌ها؛ آب‌ها، نهرها و رودها، و بندها و پل‌ها؛ شهرهای تاریخی، آثار تاریخی، قلاع، میل‌ها و برج‌ها، و مزارات؛ وجه تسمیه نواحی و شهرها؛ کشاورزی، دامداری، و محصولات؛ جمعیت و تعداد نفوس در آن ناحیه؛ عشایر و قبایل و طوایف مختلف؛ مردمان بومی و مهاجر؛ تجارت، صنعت و کسب و کار؛ مدارس، مکتب‌خانه‌ها و مراکز آموزشی؛ سادات، علما، و کارگزاران دولت؛ تعداد گوسفند، شتر، گاو، اسب، قاطر، و الاغ. (عطاردی، ۱۳۷۴: ۹ و ۱۰)

در مورد میزان فاصله شهرها و آبادی‌های مشخص در نقشه هم می‌شود به اطلاعات کتاب مراجعه کرد و هم می‌توان از مقیاس خطی نقشه استفاده کرد. در بالای مقیاس نوشته شده است که فاصله هر دو نقطه بزرگ یک فرسخ و فاصله هر دو نقطه کوچک هزار ذرع است (تصویر ۹).



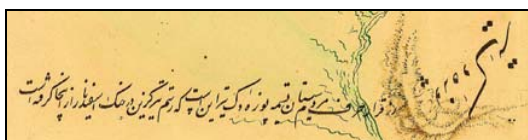
تصویر ۹. مقیاس نقشه

اطلاعاتی درباره اعلام تاریخی و وجه تسمیه آنها

در نقشه و کتاب اطلاعاتی درباره وجه تسمیه شهرها و نواحی نوشته شده است. برای مثال نویسنده در کتاب اطلاعات مفصلی درباره وجه تسمیه سیستان و نیمروز نوشته است. (ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۴۶ و ۵۱) در برخی

موارد هم به نامی اشاره می‌کند که اهالی به بعضی مکان‌ها داده اند. به برخی از این موارد که در نقشه و در کنار هر اسم یا علامت نوشته شده است اشاره می‌کنیم.

- سیاه کوه در مرز سیستان و قائن: این کوه‌ها را نر آهو و ماده آهو هم می‌گویند.
- پوزه دک‌تیر: از قرار حرف مردم سیستان، تسمیه پوزه دک‌تیر این است که رستم تیر گزین در جنگ اسفندیار از اینجا گرفته است (تصویر ۱۰).
- [علامت تپه] این خرابه را بلوچ داشوق گویند.
- این قلعه خرابه الله‌آباد کهنه می‌گویند.



تصویر ۱۰. پوزه دک‌تیر و توضیحات ترسیم‌کننده.

اطلاعاتی درباره راه‌های سیستان

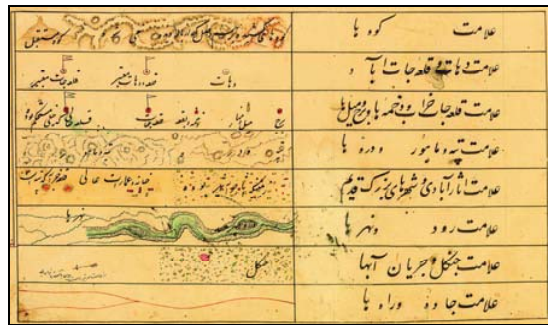
در نقشه برخی از راه‌های دسترس سیستان به ولایات دیگر مشخص شده است و بر روی هر یک توضیحاتی داده شده است. همچنین جاده‌ها و راه‌های داخل سیستان هم در نقشه مشخص است:

- راهی که از سیستان به سمت خراسان و بیرجند می‌رود (شمال شرق نقشه):
- راهی که از سیستان به شیله، ترش‌آب و نصرت‌آباد کرمان می‌رود (شرق نقشه):
- این راهی است که از رودبار و غیره می‌آید و به سمت ترش‌آب و [ناخوانا] می‌رود (جنوب شرقی نقشه).

اطلاعات تاریخی معماری

با نگاهی به راهنمای نقشه سیستان می‌توان به اهمیت این نقشه در مطالعات تاریخی معماری پی برد (تصویر ۱۱). برخی از اطلاعاتی که می‌توان از راهنمای نقشه استنباط کرد:

- مکان‌یابی ابنیه تاریخی با توجه به ترسیم علائم متفاوت برای برج، میل و منار، دخمه و بقعه، قلعه‌جات؛
 - تفکیک برج و میل یا منار از هم با علائم متفاوت؛
 - تفکیک قلعه‌های خراب و آباد؛
 - توجه ترسیم‌کننده به استحکام بناها و تفکیک بناهای مستحکم از غیر؛
 - توجه به آثار خرابه‌ها و وضعیت فعلی آنها در این عبارات: «زمینی که آثار خرابه شهر بوده»، «قلعه خرابی که اکنون تپه است»، «خانه و عمارات عالی».



تصویر ۱۱. راهنمای نقشه

پاره‌ای از اطلاعات معماری در توضیحات نگارنده نقشه در کنار نام مکان‌ها و شهرها آمده است:

شهر پیش‌آوران: در شهر پیش‌آوران چندین نارنج قلعه‌های مستحکم دیده شد. آثار و علامات عمارات عالی و بازارهای معظم بسیار است. خرابه‌های سالیان که جز پیش‌آوران بوده است (تصویر ۱۲).

زاهدان شهر بسیار بزرگی بوده.

خواجه رباط: محل زیارت‌گاه طایفه بلوچ.

چهار برجک: مشتمل بر چهار قلعه خرابه.

پوزه ماشی: که بند گرشاسی در برابر این نقطه بسته شده بود.

نهر زرکن و زورکن: این دو نهر که یکی نهر زورکن و دیگری نهر زرکن باشد از پوزه ماشی بند گرشاسی آب برمی‌داشتند به شهر معظمی وارد می‌شده که آثار عمارات و خرابه‌های آن حالا هست. سمت شمال خرابه‌ها را خواجه سیاه‌پوشان می‌گویند.

قلعه چهل برج: این قلعه که چهل برج می‌گویند. چهل برج و چهل باستان^{۲۱} دارد. بسیار قلعه سخت و مستحکم بوده است. کوه خواجه: در روی کوه خواجه دخمه بسیار است. قبر خواجه غلطان و بعضی از بزرگان کیان می‌باشد.

[علامت زمینی که آثار خرابه شهر بوده؛ خانه و عمارات

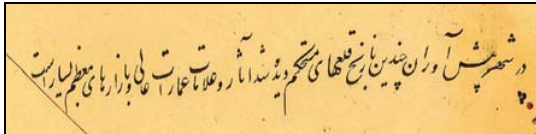
عالی؛ برج]: خرابه‌های شهر ترقو مسقط الرأس رستم است.

[علامت قلعه خرابه که تپه است]: این نقطه قرمز آخور و

پابند رخش است.

آخور و پابند رخش: این میل پابند آخور رخش [است]. این آخور و پابند که میان مردم مشهور است آثار آبادی به نظر رسید. به جهت آنکه فاصله میان این دو نقطه نیم فرسخ است آخور خرابه رخش دایره‌ای است که سیمصد ذرع قطر آن است.

این توضیحات بیانگر نگاه مردم و ذهنیت عامه به برخی بناها و مکان‌ها و شهرهاست. در نقشه نقاطی مشخص است که به پابند یا آخور رخش موسوم است یا نواحی‌ای که منسوب به رستم یا داستان‌های شاهنامه است. این گونه اطلاعات، نقشه را از این وجه به عنوان منبعی برای شناختن ذهنیت عامه به مکان و معماری^{۲۱}، ممتاز می‌کند.



تصویر ۱۲. شهر پیش‌آوران و توضیحات ترسیم‌کننده.

شهرها و قلعه‌های آباد و ویران و بناهایی که در نقشه مشخص شده است:

شهر سام نریمان، خرابه‌های شهر نیمروز، شهر ترقو، چهار برجک، شهر زاهدان، شهر کندرک.

قلعه قهقهه، قلعه حوض دار، قلعه چهل برج، قلعه غلامان،

قلعه الله‌آباد، قلعه نصرت‌آباد، قلعه نو، قلعه کولک، زرین-

قلعه، قلعه علی‌آباد، قلعه سوزنک، قلعه شاه‌رخ، قلعه

ماه‌رخ، قلعه نادعلی، قلعه محمد، قلعه کوهک، قلعه زره،

قلعه چه رئیس، قلعه فتح، قلعه کادمک، قلعه دک دیلم،

قلعه حزان، بندر سردار کمال‌خان،^{۲۲} قلعه رودین، قلعه میر،

قلعه خان‌جان بیک، قلعه سنگر، چهار برجک سردار کمال-
خان، قلعه چهل مهریز، قلعه اشکنک، قلعه خججو، قلعه
مادربادشاه، قلعه زلیخا، قلعه پوست گاو، قلعه امام، قلعه
باغک، قلعه شریف‌خان.^{۲۳}

تیپ دختران، تیپ مسجدک، تیپ جملیکه، تیپ حزان^{۲۴}، تیپ
کولک، تیپ سرخ، تیپ سفید، تیپ میردوست، تیپ سرشیله، تیپ
خاک محمد درویش، تیپ دمه، تیپ کیخا. (ترسیم‌کننده برای
تمام تیپ‌های مذکور علامت «قلعه خرابه [ای] که تپه است»
گذاشته است) (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳. علامت «قلعه خرابه [ای] که تپه است» در نقشه.

برج افغان، برج نو، برج کهنه، برج ناصرخان، برج کنده،
برج آس.

بند کوهک، بند گرشاسبی، پل کال.

بقعه میر اقبال، خواجه رباط، میل نادرشاه، گنبد عادل‌شاه.

نمونه‌ای از توضیحات کتاب جغرافیای نیروز

در این بخش نمونه‌هایی می‌آوریم از برخی از مکان‌هایی
که در نقشه مشخص است و در کتاب توضیحات مفصلی
در باره آثار و ابنیه آن آمده است:
قلعه خان‌جان بک:

از قلعه سنگر به قلعه خان‌جان بک رسیدم؛ طول و عرض
یکصد و پنجاه ذرع، خانهای [خانه‌های] وسط قلعه همه
خراب شده بود ارتفاع دیوار قلعه سوای جان‌پناه شش
ذرع، قطر دیوار ده ذرع، ارتفاع جان‌پناه یک ذرع و نیم.
[...] خان‌جان بیگ که خواست بیاید در سیستان سکنی
نماید در اول در آن قلعه چندی منزل کرده به این واسطه
حال این قلعه به اسم خان‌جان بیگ مشهور شده است. و

الا از نارنج قلعه‌های قدیم و کهنه می‌باشد اطراف این قلعه
علامات و آثار آبادی دیده شد. در این صحرا میل بسیار
دیده از قرار مذکور در قدیم هر کس که صاحب اسم بود
دو قول است یکی وقتی که فوت می‌شد هرجا او را
می‌شستند آنجا را میل می‌ساختند؛ قول دیگر آنکه هرجا او
را دفن می‌کردند به جهت علامت، بالای سر قبر او میلی
می‌ساختند والله اعلم. (ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۱۲۵)
در مورد آخور و پایند رخس که پیش از این توضیحاتی از
نقشه آوردیم در کتاب چنین آمده است:

به فاصله نیم فرسخ مشرق به قلعه چه رئیس رستم نقشه
همه را برداشته بلوچ‌ها مذکور داشتند که هرگاه میل دارید
که آخور رستم را تماشا نمایید شما را ببریم؛ گفتم بسیار
خوب یک فرسخ و سدس کم از قلعه کنده به فاصله
نیم فرسخ سمت مغرب راه به خرابه رسیدیم که آنجا را
مردم سیستان و طایفه بلوچیه آخور رخس می‌دانند این
خرابه یک دایره‌ای است که قطر آن دویست و بیست قدم
است قطر وسط دایره که چیزی نساخته و هم سطح صحرا
بود یک صد و پنجاه قدم دور این دایره وسط از هر سمتی
سی و پنج قدم جایی ساخته شده که حال خراب شده از
سطح زمین هفت ذرع خرابه آن مرتفع است که مردم
سیستان آن را دیوار آخور رخس می‌دانند.

سمت شمال دایره بیست و پنج قدم مثل راهرو هم‌سطح
زمین بود سمت مشرق دهنه چسبیده به خرابه برجی بود
که دوازده ذرع ارتفاع داشت. آن برج را میخ طویل رخس
می‌گویند به فاصله دو هزار و پانصد ذرع مقابل همین دهنه
میلی بود که پانزده ذرع ارتفاع آن بود آن میل را میخ پایند
رخس می‌نامند از بابت این خرابه دو فقره به نظرم رسید
اولاً ممکن است که این دایره و خرابه اصطبل اسب‌های
رستم بوده است که خرابه دور طویله و وسط حیاط طویله
بوده چون رخس هم جز اسب‌های رستم آنجا بسته
می‌شده است و اسب مشهوری بوده به اسم او باقی مانده
است و ممکن است که طویله را آخور گفتندی. فقره دیگر
احتمال می‌رود که این خرابه آبادی بوده است که دور آن
را عمارت و خانه و وسط آن را به جهت مال و حیوانات
خود بازگذاشته برج دهنه را جهت دیده‌بان و مستحفظ
ساخته اند. (همان، ۱۳۷۴: ۵۵ و ۵۶)

اصل خاک سیستان به نوعی می‌باشد که ذره‌ای ریگ و شن ندارد و خیلی [ناخوانا، شاید خشت] دارد از آن عمارات بیرون آمدن در تمام صحرا همه جا آثار خرابه و عمارات و میل‌ها و برج‌ها دیده شد ندانستم چه شهر و چه اسمی در سابق داشته است تمام برج‌ها مربع بود یک برجی دیده شد که میان خود آنها مشهور به برج گنده بود خیلی دیدنی بود بیست ذرع در بیست ذرع، درب برج شش ذرع از سطح زمین بالاتر به زحمت زیاد بالا رفتن تا آن شش ذرع پر بود، تمام برج با خشت خام و آجر در هم ساخته بودند از درب برج که داخل شدم راهی دور می‌گشت که سه ذرع آن راهرو بود سیزده ذرع از زمین مرتفع.

در وسط یک اتاقی بود که از اطراف دیوار اطاق به راهرو مضقل‌ها [مزغل] داشت و از دیوار دو راهرو به خارج مضقل داشت طاق اطاق وسط برج را هم با خشت خام و پخته زده بودند بالای برج یعنی روی طاق آن معلوم بود که جایی ساخته بودند که حال خراب شده است ارتفاع برج آنچه حال می‌باشد از سطح زمین بیست ذرع است از سر برج نقشه را برداشته پایین آمده سوار شدم همه جا آثار آبادی بود (همان، ۱۳۷۴: ۹۹-۱۰۱) (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴. خواجه سیاه‌پوشان در نقشه

خواجه سیاه‌پوشان شهر بزرگی بوده است. [...] چندین نارنج قلعه در میان خرابه‌ها دیده شد معلوم است که خیلی قدیم آنجا را ساخته‌اند. عمارات عالی خوب بسیار دیده شد. [...] هرگاه بخواهیم همه را بیان کنیم باعث طول کلام خواهد بود. [...] بلوچ راهنما که اسمش محمد و از اهل سنت بود مبلغ پنجاه هزار به او انعام دادم و خواهش نمودم که مرا به عمارات عالی خوب ببر تا عصری همراهی کن. [...] به یک دست عمارات عالی رسیدیم. طول عمارت در شمال و جنوب پانصد ذرع طول، سیصد ذرع عرض در سمت شمال عمارت سراسر دو مرتبه ساخته بودند. از زوایا دو راه یکی سمت مشرق عمارت و یکی از سمت مغرب عمارت به طور ماریج بدون پله که اگر کسی خواهد یک عراده بالا ببرد ممکن است.

در وسط که سرداب عمارت است، در سر چهارده ذرعی که عمارت فوقانی است چند اتاق دورو ساخته بودند؛ دیگر آنکه در اطاق وسطی که چهارده ذرع طول آن و نه ذرع عرض داشت آب‌نما و حوضی در وسط اتاق بود. قطر دیوارها از چهار ذرع و نیم تا ده ذرع بود؛ چون زمین سیستان همه جا مسطح می‌باشد از این حوض و آب‌نما چنان به نظر می‌رسد که سابق بر این هم اسباب تلمبه بوده است دیگر آنکه در وسط حیاط سراسر یک دست عمارت دورویه ساخته بودند که بعضی رو به حیاط شمالی و بعضی رو به حیاط جنوبی نگاه می‌کرد. دیگر آنکه تمام پی دیوارها از چهار ذرع و نیم تا دو ذرع کم‌تر نبود.

دیگر آنکه همه اطاق‌ها از آثار و عماراتی که حال مانده است طاق زده و تمام پی و طاق‌ها خام و پخته کار شده بود و هر خشت و آجر مربع مستطیل طول شش گره، عرض چهار، قطر نزدیک دو گره؛ تمام اطاق‌ها بزرگ قد پا به تفاوت از ده ذرع تا پانزده ذرع. درب عمارات و اطاق‌ها و سوراخ‌ها و باغچه و رف به این شکل‌ها بود (در اینجا صفحه سفید است) دیگر آنکه در بعضی از اطاق‌ها در دیوارها گل‌بری به مثل گچ‌بری که در این مملکت می‌نماید چنان گل‌بری کرده بودند که شخص متصل میل تماشای آنها را داشت، نمی‌دانم از چه عهد و چه سنه ساخته بودند شخص که به آن گل‌بری نگاه می‌کند چنان تصور که تازه ساخته شده است.

ذوالفقار کرمانی در میان مهندسان دوره قاجاریان چهره‌ای کم‌تر آشنا است و تا کنون به خوبی معرفی نشده است. این مسئله اسباب گوناگون دارد: آثار او شناخته نیست و نقشه‌هایش هنوز یافته نشده است و اگر از گذر زمان و نبود شدن رهیده باشد از دسترس محققان خارج است. منابع اطلاعاتی برای شناخت او فراوان نیست^{۲۵} و نیاز به تحقیق است. اگر بتوان آثار نویافته او را به منابع مطالعات پیشین افزود امید آن است که بعدها بتوان به تحقیق جامع‌تری درباره او دست زد. در این مقاله، دست کم در بخش معرفی ذوالفقار کرمانی سعی ما این بود که منابع نویافته تحقیق درباره او را معرفی کنیم و اطلاعاتی درباره او را به تحقیقات گذشته بیفزاییم؛ بنابراین این نوشتار ادعای تحقیق در زندگی و آثار ذوالفقار کرمانی را ندارد. در ادامه سعی کردیم یکی از آثار ذوالفقار کرمانی را تا به حال معرفی نشده بود، معرفی کنیم: نقشه سیستان در سال ۱۲۹۰ق. درباره سبب ترسیم نقشه با توجه به اطلاعات موجود در نقشه و کتاب *جغرافیای نیمروز* می‌توان نکات تازه‌ای را به مطالعات پیشین افزود و درباره برخی از مسائل مبهم تعیین مرز سیستان نکاتی را مطرح کرد،^{۲۶} اما از آنجا که از حوصله این مقاله خارج بود فقط به بیان روایتی از سبب ترسیم بسنده کردیم و نقشه را بیش‌تر از منظر مطالعات تاریخ معماری و فوائد آن برای این گونه مطالعات بررسی کردیم. برای این منظور نشان دادیم که نقشه سیستان در کنار کتاب *جغرافیای نیمروز* اجماًلاً چگونه اطلاعاتی به دست می‌دهد. در این مطالعه، بنا بر هدف مقاله، نقشه محور کار ما بود و نه کتاب. تلاش کردیم نمونه‌هایی بیاوریم که بتوانیم سرنخ‌هایی برای مطالعات بعدی محققان به دست دهیم. باید دوباره تأکید کنیم این دو منبع مملو از اطلاعات معماری است. خصوصاً اینکه از سرزمینی خبر می‌دهد که متأسفانه در حوزه

مطالعات تاریخ معماری کم‌تر به آن پرداخته شده است و اصولاً حوزه‌ای کم‌تر شناخته است. همین نکات ارزش این دو منبع را به خوبی آشکار می‌کند.

پانوشتها:

۱. با تشکر از زنده‌یاد استاد محمدابراهیم باستانی پاریزی.
۲. نقشه سیستان متعلق به وزارت امور خارجه است. نشانی وبگاه دانشنامه ایران‌شهر: iranshahrpedia.ir
3. Cama Oriental Institute (Mulla Firuz Library).
۴. این نقشه و مقاله‌ای کوتاه در مورد آن به قلم نگارندگان در وبگاه دانشنامه معماری ایران‌شهر منتشر شده است.
۵. آن‌طور که پایان نقشه سیستان نوشته شده است.
۶. احتمالاً منظور این است که او زاده کرمان بوده و در محلات اقامت داشته است. آقای دکتر باستانی پاریزی این احتمال را داده اند که از پیروان آقاخان محلاتی باشد که البته محل بحث است. نک: (باستانی پاریزی، ۱۳۸۱: ۲۴). با توجه به تصریح ذوالفقار در متن کتاب *طول و عرض بلاد ایران* و عبارت «کرمانی الاصل محلاتی المسکن» همان احتمالی که گفتیم تقویت می‌شود.
۷. شماره صفحه در مواردی که به نسخه خطی کتاب *عرض و طول بلاد ایران* ارجاع داده‌ایم، شماره‌ای است که با مداد بالای نسخه خطی اضافه شده است.
۸. مؤلف مقاله «معرفی نسخه خطی عرض و طول بلاد ایران» که به معرفی نسخه خطی کتاب *عرض و طول بلاد ایران* پرداخته است هیچ تاریخ مشخصی برای تألیف کتاب حدس نزده و آن را مربوط به بازه زمانی سلطنت ناصرالدین‌شاه و پس از فارغ التحصیل شدن ذوالفقار از دارالفنون در سال ۱۲۷۴ق می‌داند. نک: (کریمی، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹: ۱۵۶).
۹. این کتاب توسط نگارندگان این مقاله در دست تصحیح است.
۱۰. مقصود همان ژنرال گولدسمید است.
۱۱. درباره ارگ بم در زمان تهیه نقشه اطلاعات مهمی در کتاب *جغرافیای نیمروز* آمده است که پرداختن به آنها از حوصله این مقاله خارج است و غرض ما در اینجا فقط اشاره به اطلاعاتی از این دست است.
12. Sir Frederic John Goldsmid.
۱۳. برای آگاهی بیشتر نک: (طباطبایی: ۱۳۳۸)
۱۴. متن موجود در نقشه سیستان به امضای حشمت‌الملک.

۱۵. از جمله کارشنکی‌های میرزا معصوم‌خان خواهرزاده وزیر وقت امور خارجه که هم‌زمان با ذوالفقار کرمانی در سیستان بود و شرح کارشنکی‌هایش در کتاب *جغرافیای نیمروز* در مذاکرات ذوالفقار و میرزا معصوم مضبوط است.

۱۶. ذوالفقار کرمانی دوم محرم سال ۱۲۸۹ق سیستان را ترک کرد تا به دارالخلافه برود، (نک: ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۱۹) جلسه اول مذاکره برای تعیین مرز ایران پنجم جمادی الآخر ۱۲۸۹ق بود که در آن هیئت ایران و انگلیس و افغانستان برای تعیین مرز سیستان حضور داشتند. نماینده ایران میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله بود. گولدسمید سولاتی از نماینده ایران کرد. از جمله اینکه طرف ایرانی حدود سیستان را کجا می‌داند. جلسه دوم هم در همان ماه برگزار شد؛ یکی از مسائل اصلی در این دو جلسه، نظر هیئت ایران درباره حدود سیستان بود. در مشروح مذاکرات این دو جلسه همه‌جا جای نقشه ذوالفقار خالی است و سخنی از آن به میان نمی‌آید. علت این مسئله مبهم است و سولاتی را به ذهن متبادر می‌کند: سرنوشت نقشه سیستان ذوالفقار چه بود؟ آیا نقشه سیستان به جلسات رسیده بود؟ در سال ۱۲۸۹ق نقشه در چه وضعیتی بود و کجا نگهداری می‌شد؟ چرا در این جلسه سخنی از آن نیست؟ می‌دانیم که ذوالفقار در سال ۱۲۹۰ق به سیستان برگشت و نقشه را تکمیل کرد؛ اما در روزهایی که مذاکرات برگزار می‌شد سخنی از نقشه نیست. برای آگاهی از مشروح مذاکرات نک: (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۳۰۱ - ۳۱۵).

۱۷. ذوالفقار در راه رسیدن به سیستان، ابتدا به بم و نرماشیر رفت و نقشه آن نواحی و حتی نقشه ارگ بم را نیز تهیه کرد که در کتاب *جغرافیای نیمروز* به ذکر جزئیات آن پرداخته است. ولی نقشه حاضر، از ابتدای مرز سیستان با کرمان و منطقه پلان‌کوه آغاز می‌شود. بنابراین این نقشه فقط نشان‌دهنده محدوده سیستان است.

۱۸. نقشه‌ای در سازمان جغرافیایی ارتش موجود است که ممکن است همین نقشه‌ای باشد که گولدسمید در این زمان تهیه کرد.

۱۹. برای آگاهی از چگونگی تعیین مرزهای شرقی ایران و مسائل آن و اختلافات موجود بر سر این مرزها نک: (مجتهدزاده، ۱۳۷۷)

۲۰. استحکام برآمده برج ماندی که در قلعه می‌سازند. *لغت‌نامه دهخدا* ذیل «باستیان».

۲۱. برای آشنایی بیشتر با موضع تاریخ ذهنیت عامه در معماری، نک: (قیومی بیدهدی و شمس، ۱۳۹۲)

۲۲. در کتاب *جغرافیای نیمروز* قلعه بندر کمال‌خان نوشته شده است.

۲۳. کلمه «شریف» در نقشه خوانده نمی‌شود. با مراجعه به کتاب می‌توان حدس منظور قلعه شریف‌خان است.

۲۴. به درستی خوانده نمی‌شود؛ شاید خران باشد.

۲۵. استاد محمدابراهیم باستانی پاریزی در مقاله‌ای که درباره ذوالفقار کرمانی نوشتند در این باره چنین می‌گویند: «رساله ذوالفقار [جغرافیای نیمروز] صدسالگی در بوتۀ فراموشی ماند. نقشه‌هایش معلوم نشد کجا رفت. خود مهندس کرمانی احوالش مطلقاً معلوم نیست». نک: (باستانی پاریزی، ۱۳۸۱، ۲۷).

۲۶. از جمله درباره نقش میرزا معصوم خان، حشمت‌الملک و درباره اقدامات دولت ایران در این مقطع زمانی.

منابع:

— باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۸۱). «ذوالفقار شعر حافظ در قلعه نادعلی». در: *نشریه تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران*، ش ۳، ص ۱۱ - ۶۷.

— تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۰). *مرزهای ایران در دروه معاصر*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

— *روزنامه دولت علیه ایران*، ۲۶ صفر ۱۲۷۷. در: ابوالحسن خان صنیع‌الملک. *روزنامه دولت علیه ایران*. ج ۲. تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۷۴.

— ذوالفقار کرمانی (بی‌تا). *عرض و طول بلاد ایران*. نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملی.

— ذوالفقار کرمانی (۱۳۷۴). *جغرافیای نیمروز*. به کوشش عزیزالله عطاردی. تهران: انتشارات عطارد.

— طباطبایی، غلامرضا (۱۳۶۸). «کتابچه تحدید حدود سیستان و بلوچستان، پانزدهم رجب ۱۲۸۸ق/ اول سپتامبر ۱۸۷۱ م». در: *فرهنگ ایران زمین*، ج ۲۸، (زمستان ۱۳۶۸)، ص ۲۹۴ - ۳۱۹.

— عطاردی، عزیزالله (۱۳۷۴). «مقدمه جغرافیای نیمروز». در: ذوالفقار کرمانی، *جغرافیای نیمروز*، به کوشش عزیزالله عطاردی، تهران: انتشارات عطارد.

— فراستی، رضا (۱۳۸۱). «نقشه رشت در سال ۱۲۷۸». در: *اثر*، ش ۳۳ و ۳۴ (بهار و تابستان ۱۳۸۱)، ص ۳۵۱ - ۳۵۶.

— قیومی بیدهدی، مهرداد و امید شمس (۱۳۹۲). «درآمدی بر تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران». در: *مطالعات معماری ایران*، ش ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، ص ۵ - ۲۶.

— کریمی، مصطفی (۱۳۸۸ و ۱۳۸۹). «عرض و طول بلاد ایران». در: *پژوهش‌نامه فرهنگی هرمزگان*، ش ۱۸ (زمستان ۱۳۸۸ و بهار ۱۳۸۹)، ص ۱۵۵ - ۱۶۱.

- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۸). *امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران*. ترجمه حمید رضا ملک محمدی نوری. تهران: نشر شیرازه.

- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۷). «نگاهی به چگونگی شکل‌گیری مرزهای خاوری ایران». در: *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ش ۱۳۱ و ۱۳۲ (مرداد و شهریور ۱۳۷۷)، ص ۴-۲۳.

مقال

مقاله در بیان تاریخ و جغرافیه و احوال
 و کسب و کار و احوال و احوال و احوال

با مراد و مراد و مراد و مراد و مراد
 و مراد و مراد و مراد و مراد و مراد



	کوهستان
	شهر
	نهر
	جاده
	قلعه
	کوه
	تخت
	جنگل
	دریاچه
	دریا
	بازار
	کوهستان
	شهر
	نهر
	جاده
	قلعه
	کوه
	تخت
	جنگل
	دریاچه
	دریا
	بازار

مقاله در بیان تاریخ و جغرافیه و احوال و کسب و کار و احوال و احوال و احوال

